

کسیکه تاریخیت در دنیا و قال الله تعالی فاما من
اوتی کتابه بيمينته فيقول ها رم اقرع و
اكتابه اني ظننت اني ملاق حسابيه فهو
في عيشة راضيه في حية عالية فطوقها ^{سه}
كلوا واشربوا هنيئا بما اسفلتكم في الايام الخالية
واما من اوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم
اوت كتابه ولم اور صاحبيه باليه كما كنت
القاضية ما اغنى عنى ماله هلك عنى سلطان^{ته}
خذوه فاعلوه ثم الحج اير صلوا ثم في سلسلة
ذراعا فاسلكوه انه كان لا يؤمن بالله العظيم
ولا يحض على طعام المسكين فليس له اليوم ههنا ^{جمهم}
ولا طعام الا من غلبن لا يأكله الا الخايطون +
يكفي کسیکه داده شده است کتاب بيمين خود پس بگوید

بیان شد

بیان شد بخوانی کتاب من برستی که من بگویم که ملاقات
خواهم کرد و حساب خود را بیتی در دنیا بقیتم بگویم که حساب ما
خواهد شد پس این صاحب بيمين در عیش مشرب کوار است
و حنت عالی که شما در قریب است و گفته خواهد شد +
كلوا واشربوا هنيئا یعنی بخورید و نوشید خوش بچگونه زانین بد
در ایام گذشته یعنی عرض آنچه تکلیف کشیدید در دنیا و ظنا
ان است که این بيمين اصحاب العرضند و اما اصحاب استقصا
حساب و فکر فرموده و بعد نسبت کرده اند از قول ابراهیم
فهو في عيشة الراضية اه ان بان که مال اصحاب ^{بيمين}
عیش مشرب است بعضی بی حساب و بعضی با حساب
و بعضی با حساب شایر و بعضی با بی و خول نا رکنین
اصحاب بيمين آنها اند که شفا عت رسول ^{صلواته} با بر مقام
رسیدند و اما اصحاب شمال بچگونه گفت ای افسوس

در بیان اصحاب بيمين